



زنان دربار

فرخ رو پارسای

فرزند فرخ دین در سال ۱۳۰۱ شمسی به دنیا آمد. وی در رشته علوم طبیعی و تعلیم و تربیت لیسانس گرفت و

در سال ۱۳۳۱ در وزارت فرهنگ استخدام شد و در دبیرستان رضاشاه مشغول به تدریس گردید. در سال ۱۳۳۳ وارد دانشگاه پزشکی شده و با احمد شپین سخن ازدواج کرد. وی علی رغم تحصیلات پزشکی، کار در وزارت فرهنگ را ترجیح داد. فرخ رو در سال ۱۳۳۷ به ریاست دبیرستان رضاشاه منصوب و در سال ۱۳۴۲ بند از سی دوره مطالعاتی سه ماهه در آمریکا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. وی پس از آنکه توانست با حمایت حزب ایران نوین، وزیر آموزش و پرورش را برکنار کند، در سال ۱۳۴۷ بر کرسی وزارت نشست.

او در کنار وزیر جنگ، وزیر بهداشتی، وزیر کار، وزیر آبادانی و مسکن؛ دیگر وزیر هایی دولت هویدا بود. فرخ رو پس از رسیدن به وزارت به مخالفت با اصل اسلام و روحانیت پرداخت. او از دوران ریاست بر دبیرستان به فساد مالی مبتلا بود و در دوران وزارت نیز همین رویه را ادامه داد و به اختلاس های بسیاری دست زد.

وی نقش فعالی در جمعیت بین المللی زنان دانشگاهی که در سال ۱۹۱۹ در آمریکا و اروپا به وجود آمده بود، بر عهده داشت. هدف این جمعیت راهی برای افزایش سطح معلولیات و پشتیبانی از حقوق و منافع زنان جهان بود. وی با حضور هفت ساله خود در وزارت آموزش و پرورش تجربه های بیشماری را به آموزش و پرورش ایران وارد کرد و در سال ۱۳۵۳ پس از فشار افکار عمومی نسبت به بی کفایتی او، برکنار شد. فرخ رو پارسای پس از پیروزی انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شد و در تاریخ ۱۳۵۹/۱۸/۲ حکم او به اجرا درآمد..

لیلی امیرارجمند

لیلی جهان آرا فرزند عبدالله در سال ۱۳۱۷ شمسی در تهران به دنیا آمد. پدر او عبدالله جهان آرا کارمند وزارت دارایی و ریاست شرایخانه بود. مادر او تاهید شاهرخ متولده بلژیک و کارمند یازنشته موزه ایران باستان بود. لیلی در مدرسه فرانسوی زبان رازی تهران درس خواند و در پارس همکلاس فرح دنیا بود. وی لیسانس ادبیات زبان فرانسه را از تهران و فوق لیسانس کتابداری را از دانشگاه نیوجرسی آمریکا گرفت. امیرارجمند، صمیمی ترین دوست فرح دنیا بود و به همین مناسبت مشاغل و مناصب متعددی داشت؛ رئیس کتابخانه ملی، استادیار کتابداری دانشگاه تهران، رئیس کتابخانه شرکت ملی نفت، عضو هیئت مدیره موزه علوم و فنون، عضویت شورای آموزش کشور در سال ۱۳۵۳.

همسر اول وی صاحب تک کارخانه جیر بود. همسر دوم او حسینعلی (شاهرخ) ارجمند بود که در سال ۱۳۴۵ با او ازدواج کرد.

او عامل جاسوسی سرویس های غرب بود به طوری که به دستور محمدرضا پهلوی، ساواک کنترل خود را از سال ۱۳۵۲ بر وی قطع کرد. لیلی در اروپا تغییر مذهب داده و به مسیحیت (کاتولیک) گرویده بود.

او با توجه به آنکه متأهل بود، هیچ قید و بند اخلاقی و عرفی نداشت و به راحتی با دیگر مردان رابطه برقرار می کرد به طوری که از مشهور ترین زنان در این موارد بود.

امیرارجمند مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هدف تربیت غربی کودکان و ترویج بی بند و باری بود و در دوران مدیریت او فساد های مالی صورت گرفت.

اشراف پهلوی

اشراف پهلوی خواهر دو فلوی محمدرضا در تاریخ ۲ آبان ۱۲۹۸ در تهران به دنیا آمد. او در مدرسه زرتشتی ها درس خواند و زبان فرانسه را در خانه توسط مادام ارفع آموخت. در سال ۱۳۱۷ در یک ازدواج اجباری با علی قوام ازدواج کرد. اشراف پس از آنکه دو بار به مصر مسافرت کرد و تجمل دربار مصر و آزادی های زنان دریاری را دید، به احمد ششبق مأمور دون پایه اداره پیمه کشوری مصر دل بست و در سال ۱۳۲۲ با او ازدواج کرد. احمد ششبق بعد از ازدواج با اشراف طبق تصویب نامه هیئت وزیران، تغییر تابعیت داد و ایرانی الاصل شناخته شد. او نفوذ بسیاری در دربار داشته و درباریان و حتی شاه را مورد امیر و نهبی قرار می داد. اشراف در سال ۱۳۳۵ به سکو و دیدار استالین رفت و در سال بعد به حضور ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا رسید. در سال ۱۳۳۶ نیز به نیابت سرپرست عالی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی نایل شد. سال های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ اوج فرمانفرمایی سیاسی او بود. او در این سال ها تأسیس نمایشگاه مد بانوان، فراخواندن مانکن ها به ایران، راه اندازی قمارخانه و کازینو های سلطنتی بایلسر و رامسر و آبپلی، احضار یک پزشک جراح پلاستیک

از فرانسه برای رفع غیوب چهره خانم های طبقه نخبه را در دستور کار قرار داد. وی در زمان نخست وزیری مصدق به دستور او تبعید شد و با بهدیی پوشه‌ری آشنا شد. اشراف در سال ۱۳۳۹ در سن ۴۲ سالگی و پس از هشت سال جدایی از همسر قبلی خود، به عقد بهدیی پوشه‌ری درآمد. نام او از سال ۱۳۳۵ در امور مربوط به قاچاق بین المللی تریاک و هرویین برده می شد. در سال ۱۳۴۵ سازمان زنان ایران را تأسیس کرد.

فردوست رئیس دفتر ویژه اطلاعات محمد رضا دربارہ او می گویند: اگر قرار شود لیست مردانی که در دوران ۳۷ ساله سلطنت محمدرضا با اشراف رابطه داشتند، تهیه شود، حتی خود او نیز ممکن است همه را به یاد نیاورد، مسلماً لیست طولی خواهد شد.

اشراف یک قمار باز حرفه ای بود. یکی از منابع مهم درآمد اشراف بلیت های بخت آزمایی بود که ماهیانه ۵–۴ میلیون تومان حق حساب می گرفت.

سفر های خارجی او به هزینه دربار پهلوی با جمع مورد علاقه او صورت می گرفت. او در طول ماه های پاییز و زمستان سال ۱۳۵۷، اغلب اموال گرانبهای خود را ایران خارج کرد و خود نیز از ایران خارج شد.

شمس پهلوی

شمس پهلوی فرزند رضا، در ششم آبان ماه ۱۲۹۶ از همسر رضا پهلوی، تاج الملوک آپرملو، متولد شد. از نوجوانی و جوانی او، اطلاعات زیادی در دسترس نیست. وی به اجبار رضاخان با فریدون جم ازدواج کرد و بعد از مرگ او با سرخاله اش ازدواج نمود. شمس در مراسم کشف حجاب و همچنین کانون بانوان حضور فعال داشت. وی مسیحی شده بود و در سال ۱۳۵۱ سفری به رم و واتیکان داشت و مدرسه ای مذهبی – مسیحی در ملک اختصاصی اش در کرج برای تبلیغ مسیحیت تأسیس کرد.

علاوه بر ریاست کانون بانوان، وی همچنین بنیاد نیکوکاری شمس، جمعیت حمایت از حیوانات، جمعیت کودکان کر و لال و جمعیت ادبی را راه اندازی کرد. از فعالیت های اقتصادی شمس پهلوی، تجارت الماس، تجارت ماشین، حقوق ثابت سالانه از دربار و تصرف زمین است. او روسایی به نام شور شلاق(در فاصله ۶۰–۵۰ کیلومتری تهران جاده کرج –قزوین) را تصرف کرد که بعدها به مهرشهر تغییر نام یافت و در قسمتی از آن کاخ بهروف خود به نام مروارید را با بیش از ۱۱۰ هکتار بنا کرد. کاخ های شمس آوازه جهانی داشته و سوزده روزنامه های خارجی بودند. وی علاوه بر دانش ویلا و کاخ های متعدد در ایران، در واشنگتن، پاریس و کالیفرنیا نیز ویلا داشت.
مایحتاج غذایی او از سال ۱۳۱۶ از خارج از کشور تأمین می شد. حتی غذای سگ او نیز از خارج از کشور وارد می شد. شمس پهلوی سگ ها و گربه های بسیاری از خارج از کشور خریداری کرده بود و هنگام مسافرت معمولاً یکی دو زدیف سندیلی در هواپیمای برای آسایش سگ های همراهش اختصاص می داد. او سگ هایش را برای معاینه به خارج از کشور می فرستاد.

سفر های شمس به خارج از کشور و خرید لوازم و همچنین جواهرات گران قیمت، همه به هزینه دربار بود.

وی در ۱۹ شهریور ۱۳۵۷ به آمریکا گریخت و در سال ۱۳۷۲ درگذشت و طبق آیین مسیحیت به خاک سپرده شد.

فریده قطبی

فریده قطبی، متولده سال ۱۲۹۰ در تهران است. وی از مدرسه زاندارک، دبلم گرفته و در سال ۱۳۱۵ با سهراب دنیا ازدواج کرد. در سال ۱۳۱۷ اولین و آخرین فرزند خود، فرح را به دنیا آورد. او پس از فوت همسر به علت بیماری سرطان، با برادر و خانواده اش زندگی کرد. ازدواج فرح با محمدرضا در آبان ۱۳۳۸ نقطه عطفی در زندگی فریده دنیا بود. مناسب وی با توجه به آن که او فاقد تحصیلات و تجربه مرتبط با آن ها بود؛ چنین است: قائم مقام بنگاه حمایت از مادران و نوزادان، قائم مقام مرکز طبی کودکان، قائم مقام جمعیت ملی مبارزه با سرطان، عضو شورای عالی مرکز طب کودکان، قائم مقام جمعیت بیژستی و آموزشی فرح پهلوی، قائم مقام سازمان ملی انتقال خون ایران و قائم مقام جمعیت شیو و خورشید، سفرهای داخلی و خارجی بسیاری به بیانه مناصب او اتفاق می افتاد. سفر های رسمی و شخصی او به خارج از کشور و با هزینه دربار صورت می گرفت.

همچنین خریدهای انبوه و پرگزاری مهمانی های پر خرج او در خارج از کشور به هزینه دربار انجام می شد. در برگشت از سفر اسپانیا فریده دنیا، ۳۱ چمدان به وزن ۵۵۱ کیلوگرم به همراه داشت. وی کاخی در ملازدارن و کاخی در پاریس داشت. فریده دنیا در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران را ترک کرد و در سال ۲۰۰۰ میلادی در پاریس درگذشت.

فرح پهلوی

فرح دنیا در ۲۲ بهر ۱۳۱۷ در تهران متولد شد. پدر او سهراب دنیاو مادرش فریده دنیا بود، وی تحصیلاتش را در مدرسه ایتالیایی های تهران به نام خواهران کاتولیک به پایان رساند. سپس به دبستان ژاندارک تهران که توسط راهبه های فرانسوی اداره می شد، رفت. هنگام تحصیل در مدرسه ژاندارک به عضویت سازمان پشاهنگی در آمد و به عنوان نماینده این سازمان به فرانسه سفر کرد. وی در دوران دانشجویی در فرانسه گواهیات چپ گرایی داشت، نحوه اولین آشنایی او با محمدرضا پهلوی در پرده ایهام است. او در ۳۰ آذر ۱۳۳۸ با محمدرضا ازدواج کرد؛ در مراسمی که تمام اجناس آن و حتی نوازنده، خیاط، آرایشگر و… را از خارج آورده بودند. او قبل و بعد از ازدواجش روابطی بی بند و بار اخلافی داشت. فرح با توجه به آن که قبل از ازدواج با محمدرضا از وضعیت مالی خوبی برخوردار نبود، بعد از ازدواج به مصرف و تجملات بسیاری روی آورد؛ ازجمله خرید جواهرات گران قیمت، مسافرت های شاهانه و با هزینه های گزاف و حتی هزینه های درمان به بیانه های واهی که به فراخواندن دکتر از خارج منجر می شد، او علاقه زیادی به عکس بازی داشت به طوری که با دعوت از مکاناس خارجی و دادن پول بسیار به آنها به کلکسیون عکس خود می افزود. رفتارهای تبلیغاتی و اقدامات عوام فریبانه او برای فریب عامه مردم از لحاظ اجتماعی و دینی جالب توجه بود. مثلاً به زین العابدین رهمنام دستور داده بود قرآن را مطابق با ارزش های مورد قبول رژیم ترجمه و در سطح وسیعی منتشر نماید. نام این قرآن، قرآن شهبانو بود. پس از حضور فرح در دربار، خانواده دنیا در مناصب دولتی نقش های بسیار زیادی بر عهده گرفتند. کنوی روابط آزاد او، لیلی امیرارجمند بود؛ به طوری که فرح، شوهر امیرارجمند را به خاطر آزاد گذاشتن همسرش در برقراری رابطه، می ستود. فعالیت های هنری و فرهنگی او با تبلیغ فرهنگ و هنر غربی صورت می گرفت. جشن هایی که توسط او برگزار شد، عبارتند از: جشن هنر شیراز؛ این برنامه از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ برگزار می شد و تحت پوشش روابط فرهنگی بین ایران و دیگر کشور ها قرار داشت. در سال ۱۳۵۶ نمایش ابتدال در این جشن به اوج خود رسید و مخالفت تمام مردم را در پی داشت. جشن تاجگذاری؛ در سال با هزینه گزافی ۱۳۴۶ برگزار شد.

صمیمیت ها در وضع فعل(حضور دکتر اسرائیلی در کنار فرح)، جشن تاجگذاری و جشن هنر و همچنین جریان تحصیل فرح حضور فعال داشتند.



منابع:

زنان دربار به روایت اسناد ساواک - فرح پهلوی- جلد اول و جلد دوم - مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات - بهار ۱۳۸۸

زنان دربار به روایت اسناد ساواک - اشراف پهلوی- مرکز

بررس اسناد تاریخی وزارت اطلاعات - زمستان ۱۳۸۱

زنان دربار به روایت اسناد ساواک - لیلی امیرارجمند-

مرکزبررس اسناد تاریخی وزارت اطلاعات - زمستان ۱۳۸۳

زنان دربار به روایت اسناد ساواک -فرخ رو پارسای- مرکز

بررس اسناد تاریخی وزارت اطلاعات - زمستان ۱۳۸۲

زنان دربار به روایت اسناد ساواک - فریده دنیا- مرکز

بررس اسناد تاریخی وزارت اطلاعات - تابستان ۱۳۸۸

زنان دربار به روایت اسناد ساواک - شمس پهلوی- مرکز

بررس اسناد تاریخی وزارت اطلاعات - زمستان ۱۳۸۵